



## اگر بی‌مراقبت مشغول به ذکر و فکر شوید بی‌فایده خواهد بود/ دستورالعمل عرفانی مرحوم ملاحسینقلی همدانی

«حریم قدس؛ مقاله‌ای در سیر و سلوک الی الله» تالیف آیت‌الله سیدمحمد محسن حسینی طهرانی در بیروت به زبان عربی منتشر شد.

«حریم قدس؛ مقاله‌ای در سیر و سلوک الی الله» تالیف آیت‌الله سیدمحمد محسن حسینی طهرانی در بیروت به زبان عربی منتشر شد.

به گزارش خبرنگار مهر، این اثر در اصل مقدمه‌ای برای ترجمه کتاب «لبّ اللباب در سیر و سلوک اولی الالباب» نوشته علامه طهرانی قدس سره به زبان فرانسه بوده که با توجه به اهمیت موضوع سیر و سلوک و تضارب آراء و اختلاف مسالک و مکاتب متنوع و چه بسا منحرف، اجمالا به شرح منازل و مراحل و شرایط و آداب سلوک الی الله پرداخته است.

حریم القدس که تاکنون دو بار به فارسی منتشر شده، اخیرا با همکاری انتشارات مکتب وحی و دار المحجة البيضاء در لبنان (بیروت) به چاپ رسیده است.

آشنایی با سیره و مسلک عرفای متأخر از جمله آخوند ملاحسینقلی همدانی از ویژگی‌های این کتاب است. مرحوم آخوند ملا حسینقلی همدانی از اکابر علماء و فقهاء شیعه امامیه و از طرفی سرسلسله عرفای بالله و سرحلقه اولیای الهی است و هرچه از عرفاء شامخین امثال مرحوم حاج شیخ محمد بهاری و حاج میرزا جواد ملکی تبریزی و آقا سید احمد کربلائی و مرحوم آقا سید علی قاضی و علامه طباطبائی و مرحوم سید هاشم حدّاد و علامه طهرانی به ظهور رسیده، همه از برکات وجودی نفس قدسی اوست.

ذیلا دستورالعمل عرفانی مرحوم ملاحسینقلی همدانی به شاگردان که در این کتاب به نقل از تذکرة المتقین آمده، تقدیم می‌گردد: «بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على محمد و آله الطاهرين و لعنة الله على أعدائهم أجمعين

مخفی نماند بر برادران دینی که به جز التزام به شرع شریف، در تمام حرکات و سکنات و تکلمات و لحظات و غیرها، راهی به قرب حضرت ملك الملوك جلّ جلاله نیست؛ و به خرافات ذوقیه، اگر چه ذوق در غیر این مقام خوب است کما دأب الجهال و الصّوّفیة - خذلهم الله جلّ جلاله - راه رفتن، لا یوجب إلا بعدا. حتی شخص هرگاه ملتزم بر نزدن شارب و نخوردن گوشت بوده باشد، اگر ایمان به عصمت ائمه أطهار صلوات الله علیهم آورده باشد، باید بفهمد از حضرت احدیت دور خواهد شد؛ و هکذا در کیفیت ذکر بغیر ما ورد عن السادات المعصومین علیهم السلام عمل نماید.

بناءً علی هذا باید مقدّم بدارد شرع شریف را، و اهتمام نماید هر چه در شرع شریف اهتمام به آن شده. و آنچه این ضعیف از عقل و نقل استفاده نموده‌ام این است که اهمّ اشیاء از برای طالب قرب جدّ و سعی تمام در ترك معصیت است.

تا این خدمت را انجام ندهی، نه ذکر و نه فکر به حال قلبت فائده‌ای نخواهد بخشید؛ چرا که پیشکش و خدمت کردن کسی که با سلطان در مقام عصیان و انکار است بی‌فایده خواهد بود. نمی‌دانم کدام سلطان اعظم از این سلطان عظیم الشان است؟! و کدام نقار اقبح از نقار با او است؟!

فافهم ممّا ذكرت أنّ طلبك المحبة الالهية مع كونك مرتكباً للمعصية أمرٌ فاسدٌ جدّاً، و كيف یخفی عليك كون المعصية سبباً للتفرقة، و كون التفرقة مانعة الجمع معه المحبة؛ و إذا تحقق عندك أنّ ترك المعصية أوّل الدّین و آخره، ظاهره و باطنه، فبادرْ إلى المجاهدة، و اشتغلْ بتمام الجدّ إلى المراقبة، من أوّل قیامك من نومك فی جميع آناتك إلى نومك، و ألزم الأدب فی مقدّس حضرتہ. و اعلم أنّك بجميع أجزاء وجودك ذرّة ذرّة اسیر قدرته، و راع حرمة شریف حضوره. و اعبدْه کانتک تراه، فإن لم تکن تراه فإتّه یراک؛ و التفّت دائماً إلى عظمتیه و حقارتک، و رفعتیه و دنائتک، و عزّته و ذلتک، و غناه و حاجتک، و لا تغفلْ شاعة غفلتک عنه جلّ جلاله مع التفاته إليك دائماً؛ و قمّ بین یدیه مقام العبد الذلیل الضعیف، و تبصّبْ تحت قدمیه بصبّنة القلب التحیف؛ أو لا یکفیک شرقاً و فخراً أنّه أذن لك فی ذکر اسمیه العظيم بلسانک الكثیف الذی تجسّنه قاذورات المعاصی؟

پس ای عزیز! چون این کریم رحیم، زبان تو را مخزن کوه نور یعنی ذکر اسم شریف قرار داده، بی‌حیائی است مخزن سلطان را آلوده به نجاسات و قاذورات غیبت و دروغ و فحش و اذیت و غیرها من المعاصی نمودن؛ مخزن سلطان باید محلش پر عطر و گلاب باشد، نه محبس مملوّ از قاذورات؛ و بی‌شکّ چون دقت در مراقبت نکرده‌ای، نمی‌دانی که از جوارح سبعة یعنی گوش و زبان و چشم و دست و پا و بطن و فرج، چه معصیت‌ها می‌کنی، و چه آتش‌ها روشن می‌نمائی، و چه فسادها در دین خودت برپا می‌کنی، و چه زخم‌های مُنکره به سیف و سنان زبانت به قلبت می‌زنی، اگر نکشته باشی بسیار خوب است. اگر بخواهم شرح این مفاصد را بیان نمایم در کتاب نمی‌گنجد، در یک ورق چه می‌توانم بکنم؛ تو که هنوز جوارحت را از معاصی پاک نکرده‌ای، چگونه منتظری که در شرح احوال قلب چیزی به تو بنویسم؟! پس: البّدار البّدار إلى التوبة الصادقة ثمّ العجل العجل فی الجِدّ و المراقبة.

خلاصه، بعد از سعی در مراقبت، البته طالب قرب، بیداری و قیام سحر را اقلّا یک دو ساعت به طلوع فجر مانده إلى مطلع الشمس از دست ندهد، و نماز شب را با آداب و حضور قلب بجا بیاورد، و اگر وقتش زیادت‌ر باشد، به ذکر یا فکر یا مناجات

مشغول بشود، لیکن قدر معینی از شب باید مشغول ذکر با حضور بشود، در تمام حالاتش خالی از حزن نبوده باشد، اگر ندارد تحصیل نماید به اسبابش، و بعد از فراغ، تسبیح سیده نساء، و دوازده مرتبه سوره توحید، و ده مرتبه لا إله إلا الله وحده لا شریک له، له الملك الی آخر، و صد مرتبه لا إله إلا الله، و هفتاد مرتبه استغفار بخواند، و قدری از قرآن شریف تلاوت نماید، و دعای معروف صباح، اعنی: یا من دلّجَ لسان الصّباح الی آخر البتّه خوانده شود، و دائماً با وضوء باشد، و اگر بعد از هر وضوء دو رکعت نماز بکند، بسیار خوب است.

بسیار ملتفت باشد که به هیچ وجه اذیتش به غیر نرسد و در قضاء حوائج مسلمین لا سیّما علماء و لا سیّما اتقیائهم سعی بلیغ نماید و در هر مجلس که مظنه وقوع در معصیت است، البتّه، البتّه، البتّه اجتناب نماید، بلکه مجالست با اهل غفلت به غیر شغل ضروره مضرّ است، اگر چه از معصیت خالی بوده باشد، کثرت اشتغال به مباحات و شوخی بسیار کردن و لغو گفتن و گوش به اراجیف دادن قلب را می میراند.

اگر بی مراقبت مشغول به ذکر و فکر بشود بی فائده خواهد بود، اگر چه حال هم بیاورد، چرا که آن حال دوام پیدا نخواهد کرد، گول حالی را که ذکر بیاورد، بی مراقبه نباید خورد. زیاده طاقت ندارم، بسیار التماس دعا از همه شماها دارم! این حقیر کثیر التقصیر و المعاصی را فراموش ننمائید و در شب جمعه صد مرتبه و در عصر روز جمعه صد مرتبه سوره قدر بخوانید.

و از جمله ابواب عظیمه ایمان، حبّ فی الله جلّ جلاله و بغض فی الله جلّ جلاله می باشد، و قد عقد له فی «الوسایل» و غیرها من کتب الاخبار باباً مستقلاً، فارجع الیها لعلک تعرف عظمته، و تأخذ لنفسک نصیباً منه.

شکی نیست که محبوب اوّل، ذات اقدس کبریائی جلّ جلاله می باشد، بل و کلّ محبّه لا ترجع الی محبّه فلیس بشیء. ثمّ بعده، باید هر کس این سلطان عظیم الشان را بیشتر دوست داشته باشد، پس اوّل محبوب، بعد از واجب الوجود، وجود مقدّس ختمی مآب صلوات الله علیه و آله می باشد، ثمّ بعده أميرالمؤمنین علیه السلام، ثمّ الأئمة المعصومین علیهم السلام، ثمّ الأنبياء و الملائکة، ثمّ الاوصیاء، ثمّ العلماء و الاولیاء. و در زمان خودش، اتقیاء زمانش را، لا سیّما اگر عالم باشد، ترجیح بدهد در محبّت بر کسانی که بعد از اویند در درجه، و هکذا یتنزّل؛ ولیکن سعی نماید صادق باشد در این محبّت، مرتبه آسانی نیست، اگر متفکر باشید، خواهید فهمید که اگر آثار محبّت در حرکات و سکنات ظاهر شد، شخص مدّعی این محبّت، صادق است و إلا فلا. لیکن گمان ندارم که به کنه و لوازمش بررسی، و حقیر هم بیش از این در وسعم نیست. الحاصل، لا طریق الی القرب إلا بشرع شریف فی کلّ کلی و جزئی؛ انتهى.»